



بنابراین نمی‌توان پروژه برجام را یک قرارداد منطقی که تأمین منفعت ایران در اولویت قرار گرفته باشد دانست.

چالش برجسته بی‌ثباتی

در رویکردی دفاعی، می‌توان از برجام به عنوان یک اتفاق خوب یاد کرد. بعد از ذوق زدگی دولت قبل در اعلام زود هنگام نتایج پروژه برجام، اغلب کشورها پیام تبریک ارسال کردند. این موضوع باعث شد که انتظارات خاصی برای مردم ایجاد شود که از این پس شاهد رخدادهای خوبی در کشور خواهند بود. حال اگر بخواهیم برجام را به عنوان یک قرارداد بین‌المللی مورد بررسی قرار دهیم، باید بگوییم که روند خوبی نداشت. اصلی‌ترین موضوع در اقتصاد ثبات است، به این معنا که یک اقتصاد زمانی رشد می‌کند که بتواند دورنمای بلندمدتی را برای خود ترسیم کند. چالش برجسته برجام در بلندمدت برای اقتصاد ایران این بود که نمی‌توانست در راستای دیدگاه مذکور کام بردارد.

تفاوت مدافعان و مخالفان

یکی از درخواست‌ها و شروط مهم ایران این بود که برجام را امضا می‌کنیم اما طرف‌های مقابل قول دهند که کشوری از آن خارج نشود و با خروج یک کشور این قرارداد به حاشیه نرود. اما در این خصوص کشورهای عضو برجام حتی حاضر به انجام این کار کوچک نیز نبودند. از سوی دیگر هیچ فردی هم از طرف مقابل حاضر به ارائه تضمین به ایران نبود، بنابراین پروژه برجام از نظر روند بین‌المللی برای اقتصاد ایران ساختاری منطقی نداشت. قرارداد برجام یک تفاهم بلندمدت برای ایران و کشورهای عضو برجام به شمار می‌آید و نمی‌توان نگاه کوتاه‌مدت به آن داشت. تحقق این موضوع برای ثبات اقتصاد ایران ضرورتی قابل توجه دارد. تفاوت مدافعان و مخالفان پروژه برجام این است که مخالفان روند طی شده برای حصول نتیجه برجام را غیرقابل اجرا می‌دانند، اما مدافعان برجام می‌گویند این قرارداد روند خوب داشته و یک اتفاق بد باعث شد که در حاشیه قرار گیرد. در پاسخ به این افراد، حتی جان کری نیز در سخنرانی‌های خود عنوان کرد: قرار نبود برجام بماند، یا با یک اتفاق از بین برود که هزینه‌های آن دامنگیر آمریکا شود. مجموع این مسائل و تغییر رویکرد اقتصادی دولت قبل از شرق به غرب، باعث تردید چینی‌ها در توسعه روابط تجاری با ایران شد. استراتژی چین با ایران مانند تاجری است که حاضر است

با قیمت بازار، با کشورهای دیگر همکاری کند، بنابراین نباید از یک کشوری که کاملاً به صورت اقتصادی فعالیت کرده و منافع خود را در نظر می‌گیرد توقعات عجیب داشت. همچنین نباید فراموش کنیم که در حال حاضر شرایط بازار ما نسبت به بازار عربستان گران‌تر است.

گامی جدی برای کاهش ارزش دلار

همچنین در خصوص قرارداد اقتصادی عربستان با چین، ارزش این تفاهمنامه یک‌دهم قرارداد ۲۵ ساله همکاری ایران و چین هم نیست. قرارداد عربستان ۳۰ میلیارد دلار و قرارداد ایران ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است. از سوی دیگر بندهایی در قرارداد عربستان و چین وجود دارد به نفع ایران است. به عنوان نمونه اگر عربستان با چین براساس یوان نفت خود را معامله کند این موضوع در نهایت به نفع کشورهای نفتی که با آمریکا در تقابل هستند می‌شود. یعنی اگر بازار ضد دلار در نفت تشکیل و «پترو یوان» (معاملات نفتی با یوان) راه‌اندازی شود به نفع ایران نیز خواهد بود. با تحقق چنین اقدامی به جای دلراهایی که در بازار نفت گردش دارند، یوان برای خرید و فروش نفت و مشتقات نفتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این موضوع گامی جدی برای کاهش ارزش دلار در بازار نفت خواهد بود.